



معرفی و نقد

ویویان ایوانز، *واژه‌ها چگونه معنی می‌دهند: مفاهیم واژگانی، الگوهای شناختی و ساختار معنی*^۱
آکسفورد: انتشارات دانشگاه آکسفورد، (۲۰۰۹).

راحله گندمکار

واژه‌ها چگونه معنی می‌دهند به معرفی رویکرد جدیدی در باب نقش واژه‌ها و دیگر واحدهای زبانی در ساختار معنی^۲ می‌پردازد. ویویان ایوانز^۳، استاد زبان‌شناسی دانشگاه بانگور، و استاد پیشین دانشگاه‌های برایتون، ساسکس، جورج تاون و دانشگاه فلوریدا، آثار متعددی را در حوزه رویکرد زبان‌شناسی شناختی به رشته تحریر درآورده است. ایوانز در این اثر، در قالب شانزده فصل به معرفی نظریه‌ای می‌پردازد که، به زعم او، راهگشای معمای چگونگی درک معنی است. ایوانز ضمن بررسی تعامل بین مفاهیم غیرزبانی از یک سو و معانی رمزگذاری شده در زبان از سوی دیگر، به تشریح این مسأله می‌پردازد که وقتی ما واژه‌ها را در بافت‌های کاربردی مختلف تولید می‌کنیم و یا می‌شنویم، چگونه معنی‌شان را درک می‌کنیم. برای این منظور، او دو ساختار نظری از پیش موجود را در قالب «مفهوم واژگانی» و «الگوی شناختی» مطرح می‌کند و می‌کوشد تا به کمک این دو، به تبیین چگونگی بازنمایی واژگانی و ساختار معنی بپردازد و در نهایت، نظریه‌ای را تحت عنوان «مفاهیم واژگانی و الگوهای شناختی»^۴ (LCCM) به دست می‌دهد. ایوانز از طریق نظریه LCCM باب جدیدی را در مطالعات زبان‌شناسی شناختی به سوی چگونگی درک و تحلیل معنی می‌گشاید. بحث در مورد معنی‌شناسی واژگانی، ترکیب‌پذیری معنایی^۵، چندمعنایی، زبان بلاغی، و معنی‌شناسی زمان و مکان، از جمله مسائلی‌اند که نویسنده برای نیل به نظریه‌اش مطرح می‌کند. یکی از مهم‌ترین مسائلی که در کتاب حاضر مورد توجه قرار گرفته، این است که چطور می‌توان تنوع ذاتی معنی را که از طریق واژه‌ها بازنمایی می‌شود، تبیین کرد و به عبارت دیگر، همان‌طور که از نام اثر پیداست، پرسش اصلی این است که واژه‌ها چگونه معنی می‌دهند.

1. *How Words Mean: Lexical concepts, cognitive models, and meaning construction*

2. meaning -construction

3. Vyvyan Evans

4. *Lexical Concepts and Cognitive Models*

5. semantic compositionality

از جمله مهم‌ترین مبانی نظریه LCCM، تأکید بر ماهیت متغیر و منعطف معنی است. ایوانز پیشتر در قالب مقاله‌ای به سال ۲۰۰۶^۱ نیز به طرح اولیه‌ی نظریه‌اش همت گمارده بود و یکی از بارزترین تفاوت‌های میان دیدگاه خود و سایر دیدگاه‌های کلاسیک را در همین «متغیر دانستن ذات معنی» معرفی کرده بود. دیدگاه کلاسیک در باب ساختار معنی، بر مبنای این فرض استوار است که واژه‌ها دارای معنی یا معانی ثابت و از پیش‌موجودند و به عنوان «مدخل‌های واژگانی» ثابت در نظر گرفته می‌شوند (پوستی‌یوسفی^۲، ۱۹۹۵؛ تایلر^۳ و ایوانز، ۲۰۰۱؛ آلوود^۴، ۲۰۰۳). در بسیاری از رویکردهای صورت‌گرا، این مدخل‌های واژگانی با مختصه‌های نحوی، واجی، و معنایی برچسب‌گذاری و شناخته می‌شوند. این مدخل‌ها در ترکیب با ساخت دستوری جمله، معنی جمله و به لحاظ فنی، «گزاره»^۵ را به دست می‌دهند. به این ترتیب، در این دیدگاه کلاسیک می‌توان به اهمیت نقش «اصل ترکیب‌پذیری»^۶ در زبان پی برد. اصل ترکیب‌پذیری، ویژگی‌ای زبانی است که بر مبنای آن، امکان تلفیق معنی واژه‌ها با ساخت‌های نحوی فراهم می‌شود تا در نهایت، معنی جمله تعیین نمی‌شود. آنچه مسلم می‌نماید این است که معنی جمله با توجه به این اصل و به این سادگی به دست نمی‌آید (کلارک^۷، ۱۹۸۳؛ سویتسر^۸، ۱۹۹۹؛ کالسون، ۲۰۰۰؛ کرافت، ۲۰۰۰؛ ایوانز و گرین، ۲۰۰۶). در واقع، معنی واژه به کاررفته در پاره‌گفتار، تا حد زیادی با توجه به «بافت زبانی»^۹ تعیین می‌شود؛ به این معنی که «معنی» واژه متغیر است و نقش معنایی واژه به «بافت» وابسته است (کرافت، ۲۰۰۰).

به اعتقاد ایوانز، یکی از بزرگ‌ترین چالش‌هایی که در مواجهه با نظریه‌ای در باب درک زبان برایمان مطرح می‌شود، این است که بتوانیم الگویی از ماهیت دانش زبانی سخنگو را به دست دهیم؛ الگویی که بتواند چگونگی تغییر معنی در بافت‌های کاربردی مختلف را تبیین کند (ایوانز، ۲۰۰۹: xi). دیدگاه‌های مطرح‌شده در حوزه زبان‌شناسی و فلسفه زبان در مواجهه با چنین چالشی، به وجود دو نوع معنی قایل‌اند: نخست، معنی مستقل از بافت^{۱۰}؛ به این معنی که واژه‌ها فارغ از بافت، همواره از معنی برخوردارند و دوم، معنی وابسته به بافت^{۱۱}؛ یعنی واژه‌ها از معنی بافت‌بنیاد برخوردارند و در بافت‌های مختلف و با توجه به اصول تعبیر متعدد، نظیر آنچه در اندرزه‌های گرایس^{۱۲} مطرح شده، تعبیر می‌شوند. هر چند که تفاوت بین این دو نوع معنی از سوی برخی زبان‌شناسان نظیر رچاناتی^{۱۳} (۲۰۰۴) به مثابه «تحت‌اللفظی‌گرایی»^۱ یا

1. "Lexical concepts, cognitive models and meaning-construction"
2. James Pustejovsky
3. Andrea Tyler
4. Jens Allwood
5. proposition
6. principle of compositionality
7. Herbert Clark
8. Eve Sweetser
9. linguistic context
10. context-independent
11. context-dependent
12. Gricean maxims
13. François Recanati

همان «باور به معنی ثابت» و در واقع، وجه تمایز بین معنی‌شناسی و کاربردشناسی در نظر گرفته می‌شود، اما ایوانز در این نوشته‌اش، قایل شدن به تمایز بین معنی‌شناسی و کاربردشناسی را غیراصولی می‌داند. او معتقد است که واژه‌ها معنی ندارند و معنی به جای این که بازنمود واژگانی مرتبط با یک واژه به حساب آید، تابع یک پاره‌گفتار است (ایوانز، ۲۰۰۹: ۲۵).

رویکردی که ایوانز در قالب آن به طرح آرای خود می‌پردازد، بر این بنیان نظری استوار است که میان نظام زبان^۲، یعنی دانش زبانی‌ای که از طریق واژه‌ها رمزگذاری می‌شود، و نظام مفهومی^۳، یعنی دانش غیرزبانی‌ای که واژه‌ها به آن دسترسی دارند، تفاوت اصولی وجود دارد. این همان چیزی است که ایوانز در قالب «مفهوم واژگانی» و «الگوی شناختی» معرفی می‌کند؛ ساختارهایی که در نظریه‌اش نقشی اساسی ایفا می‌کنند. به طور خلاصه، «مفهوم واژگانی»، مجموعه‌ای از انواع مختلف دانش است که برای رمزگذاری در زبان اختصاص یافته و در مقابل، «الگوهای شناختی»، پیکره‌ای از دانش غیرزبانی یکپارچه و ساخت‌مند را شامل می‌شود. در واقع، الگوهای شناختی، متشکل‌اند از حالات ادراکی ضبط‌شده، شامل اطلاعات برگرفته از طریق عواطف، حواس غریزی، حالات شناختی و جز آن. الگوهای شناختی می‌توانند سطحی از دانش غیرزبانی را فراهم آورند که از طریق مفاهیم واژگانی بتوانیم به آن‌ها دسترسی پیدا کنیم. ایوانز میان دانش زبانی و غیر زبانی تمایز مشخصی قایل می‌شود و معتقد است که معنی از تعامل این دو نظام مستقل به وجود می‌آید که نباید آن را ویژگی واحدهای زبانی ذخیره‌شده در حافظه بلندمدت انسان در نظر گرفت، بلکه معنی، ویژگی پاره‌گفتارهای محدود به بافت^۴ است. چگونگی عملکرد نظریه LCCM را به شکلی بسیار خلاصه می‌توان به این شکل توضیح داد که بر اساس این نظریه، واژه‌ها یک «محتوای اصلی»^۵ را رمزگذاری می‌کنند که [مفهوم واژگانی] نامیده می‌شود. این مفهوم واژگانی به «اطلاعات تصویری»^۶ ای مرتبط است که برگرفته از مقوله دستوری واژه است و «محتوای زبانی»^۷ نام دارد. محتوای زبانی، اطلاعات اصلی مربوط به یک واژه را بازنمایی می‌کند؛ مثلاً محتوای زبانی واژه «قرمز» را می‌توان «ویژگی یک چیز» دانست و همین محتوای زبانی است که سبب می‌شود ما این واژه را «صفت» در نظر بگیریم. واژه‌ها امکان دسترسی به پیکره وسیعی از محتواهای غیرزبانی را نیز فراهم می‌آورند که به آن «محتوای مفهومی»^۸ می‌گویند. مثلاً در مورد واژه «قرمز»، همین «قرمز بودن» در نظام مفهومی ما و در تمام خاطرات و تجربیات ما از چیزهای قرمز، مثل «لاک قرمز»، «چراغ قرمز»، «هندوانه قرمز»، «خط قرمز» و جز آن وجود دارد و با کاربرد خاص واژه در هر بافت فعال می‌شود. دسترسی به محتوای مفهومی، زمانی رخ می‌دهد که مفهوم واژگانی، امکان دسترسی به پیکره الگوهای شناختی را تسهیل می‌کند و این

1. literalism
2. linguistic system
3. conceptual system
4. context-bound
5. core content
6. schematic information
7. linguistic content
8. conceptual content

همان چیزی است که ایوانز «توان معنایی»^۱ می‌نامد. در هر پاره‌گفتار، تمامی الگوهای شناختی‌ای که یک واژه امکان دسترسی به آن‌ها را فراهم می‌آورد، فعال نمی‌شوند. در حقیقت، تفاوت در معانی یک واژه نیز از فعال‌سازی نسبی توان معنایی واژه حاصل می‌شود.

چهارچوب کتاب حاضر در قالب شانزده فصل شکل گرفته که در پنج بخش گنجانده شده‌اند. چهار فصل نخست از بخش اول، به طرح مسائل ناشی از فرض تغییر معنایی واژه‌ها و ارائه چهارچوب اصلی نظریه‌ی LCCM و مباحث مقدماتی زبان‌شناسی شناختی اختصاص دارد و در همین بخش، به ادعای اصلی نظریه‌ی لانگاکر (۱۹۸۷) مبنی بر دایرة‌المعارفی بودن معنی‌شناسی اشاره می‌شود و به بحث درباره‌ی آن می‌پردازد. در بخش دوم که «بازنمایی واژگانی» نامیده شده است، مسائلی از قبیل واحدهای نمادین، ساخت معنایی، مفاهیم واژگانی، چندمعنایی، ساخت مفهومی و الگوهای شناختی مورد بحث قرار گرفته‌اند. بخش سوم با عنوان کلی «ترکیب‌پذیری معنایی»، به تشریح فرایند ترکیب معنایی در قالب سه مرحله انتخاب مفاهیم واژگانی، تلفیق مفاهیم واژگانی به واحدهای بزرگ‌تر و تعبیر مفهومی اختصاص یافته است که در نهایت منجر به مفهوم‌سازی مقید به بافت می‌شود. نویسنده در بخش چهارم، دو مبحث استعاره و مجاز، و معنی‌شناسی زمان را در زیربخش عنوان «زبان بلاغی و تفکر» مطرح می‌کند و در بخش پنجم می‌کوشد در قالب نظریه‌ی LCCM در بافت به نتیجه‌گیری از آرا و نظریاتش بپردازد و آن را به مثابه نقطه‌ی تلاقی تمامی نگرش‌های غالب در حوزه‌ی زبان‌شناسی شناختی معرفی کند.

برای آشنایی بیشتر با چگونگی عملکرد این نظریه و نقد وارد بر آن، نگارنده این سطور لازم می‌داند به توضیح مختصری از بخش چهارم کتاب، در باب استعاره و مجاز بپردازد. تا چندی پیش، بر مبنای آثار زبان‌شناسانی مانند اُرتونی^۲ (۱۹۹۳) و گیبس^۳ (۱۹۹۴) باور کلی این بود که تصور^۴ انسان در مقایسه با شناختش از جنبه‌ای فرعی برخوردار است و نمی‌توان آن را به شیوه‌ای نظام‌مند مورد مطالعه و بررسی قرار داد، اما زبان‌شناسی شناختی امکانی را فراهم آورد تا این امر میسر شود. در زبان‌شناسی شناختی، نقش تصور در تفکر انسان به مثابه محور اصلی این رویکرد مدنظر قرار گرفت. بر اساس این رویکرد، ساخت‌های دانش نسبتاً ثابتی در حافظه بلندمدت ما به صورت ذاتی وجود دارند که به بیان لیکاف و جانسون (۱۹۸۰، ۱۹۹۹)، استعاره‌های مفهومی^۵ نامیده می‌شوند و از واقعیت روان‌شناختی برخوردارند. از سوی دیگر، این استعاره‌های مفهومی تحت تأثیر فرایند ساختار معنی‌پویایی قرار می‌گیرند که «آمیختگی مفهومی» نام دارد (فوکونیه و ترنر ۱۹۹۸، ۲۰۰۲؛ گرادی، ۲۰۰۵). به اعتقاد ایوانز، هر چند که هر دو نظریه «استعاره مفهومی» و نظریه «آمیختگی مفهومی» تا کنون موفق بوده‌اند و زمینه لازم برای طرح نظریه LCCM را فراهم کرده‌اند، اما نظریه LCCM در واقع، مکمل رویکردهای برگرفته از این دو

1. semantic potential
2. Andrew Ortony
3. Raymond W. Gibbs
4. imagination
5. conceptual metaphors
6. conceptual blending

نظریه به حساب می‌آید و نسبت به آن دو از مزایایی برخوردار است. برای نمونه، می‌توان به ناکارآمدی نظریه استعاره مفهومی در تبیین چگونگی درک استعاره در زبان اشاره کرد (ایوانز، ۲۰۰۹: ۲۸۱-۲۸۲). ایوانز فرایند مجاز را شامل فعال‌سازی الگوهای شناختی در نمای الگوی شناختی ثانویه مربوط به یک مفهوم واژگانی می‌داند که برای به دست دادن معنی صحیح، به تفکیک مغایرت متنی نیاز دارد. برای توضیح این مطلب می‌توان از نمونه مطرح‌شده از سوی او یعنی *The Ham Sandwich Has Asked for the Bill* استفاده کرد که قرار است در موقعیت یک رستوران و از سوی خدمتکار به صندوق‌دار رستوران گفته شود (۲۹۵-۲۹۶). در این پاره‌گفتار، عناصری که می‌توانند محتوای مفهومی داشته باشند، عبارتند از مفهوم واژگانی [HAM SANDWICH] و مفاهیم واژگانی [ASK FOR] و [BILL]. از آن جا که [ASK FOR] و [BILL] واحد مفهومی بزرگ‌تری را نسبت به کل پاره‌گفتار تشکیل می‌دهند، بر اساس اصل تلفیق، ابتدا این دو واحد تعبیر می‌شوند و اطلاعات را در اختیارمان قرار می‌دهند و در گام بعد، [HAM SANDWICH] با توجه به اطلاعاتی که از تعبیر دو واحد پیشین به دست آمده، تعبیر می‌شود. در چنین شرایطی، بین این اطلاعات و نمای الگوی شناختی اولیه [HAM SANDWICH] نوعی مغایرت به وجود می‌آید. در نهایت، HAM SANDWICH به عنوان جاننداری در نظر گرفته نمی‌شود که صورت حسابش را بخواهد. بر مبنای اصل تفکیک مغایرت متنی^۱، «مشتري‌ای که این ساندویچ را سفارش داده»، به مثابه هدف بلاغی^۲ و HAM SANDWICH به عنوان ابزار بلاغی^۳ در نظر گرفته می‌شوند. به این ترتیب، نمای الگوی شناختی مرتبط با مفهوم واژگانی [HAM SANDWICH]، امکان تفکیک مغایرت را فراهم می‌آورد. به عبارت ساده‌تر، می‌بینیم که ایوانز نیز در قالب معنی‌شناسی واژگانی به سراغ مجاز می‌رود و در نهایت، مدعی می‌شود که HAM SANDWICH در معنی «کسی که HAM SANDWICH را سفارش داده است» به کار می‌رود.

از جمله نقدهایی که به این نوشته ایوانز وارد آمده، تعداد محدود داده‌هایی است که برای طرح نظریه LCCM از سوی او به دست داده شده است. به اعتقاد تیلور^۴، نویسنده تمام مباحث مطرح در کتاب را فقط با توجه به چند نمونه تکراری توضیح می‌دهد و تکیه بر همین تعداد محدود جمله‌های ابداعی باعث شده تا تحلیلی بداهه و حتی نادرست به دست دهد (تیلور، ۲۰۱۰). به اعتقاد نگارنده این سطور، افزون بر محدودیت داده‌های مورد بررسی، آنچه بیش از هر چیز قابل نقد می‌نماید، نگاه افراطی ایوانز است که اساساً واژه‌ها را بدون معنی و معنی را صرفاً بافت‌بنیاد در نظر می‌گیرد. این که واژه‌ها به لحاظ معنایی متغیر و منعطف‌اند و در شرایط کاربردی مختلف، معنی متفاوتی به دست می‌دهند، نمی‌تواند در وجود هسته معنایی واژه‌ها شبهه‌ای ایجاد کند. چنین نگرشی با اساس رویکرد معنی‌شناسی شناختی در تضاد است و به لحاظ روش‌شناختی، مشکل ایجاد می‌کند. مطالعه در هر سطح زبان، بدون دخالت معنی امکان‌پذیر نیست

1. Context-induced Clash Resolution
2. figurative target
3. figurative vehicle
4. John R. Tylor

و به عبارت دیگر، واحدهای مورد بررسی در «صرف»، «نحو» و جز آن را بدون در نظر گرفتن «معنی» نمی‌توان تعیین کرد. بنابراین، اگر قرار باشد نظریه‌ای معنایی به دست داده شود که بر مبنای آن بتوان مسائل عمده مطرح در حوزه‌های مختلف زبان اعم از واج‌شناسی، صرف، و نحو و جز آن را تبیین کرد، بدون تردید نمی‌توان منکر وجود هسته‌ای معنایی برای واژه‌ها شد. بر اساس نظریه‌ایوانز، ما با توجه به دانش دایرة‌المعارفی‌مان، معنی کل جمله را تعبیر می‌کنیم. در چنین شرایطی، قایل شدن به فرایندی به نام «مجاز» منتفی است، اما با عملکرد در قالب رویکردی واژگانی، محکوم به طرح چنین فرایندی هستیم.

منابع

- Allwood, Jens. 2003. "Meaning potentials and context: Some consequences for the analysis of variation in meaning". In H. Cuyckens, R. Dirven, and J. Taylor (eds), *Cognitive Approaches to Lexical Semantics*, 29-66. Berlin: Mouton de Gruyter.
- Clark, Herbert. 1983. "Making sense of nonce sense". In G. Flores D'Arcais and R. J. Jarvella (eds), *The Process of Language Understanding*, 297-332. Chichester: John Wiley.
- Coulson, Seana. 2000. *Semantic Leaps*. Cambridge: Cambridge University Press.
- Croft, William. 2000. *Explaining language Change: an Evolutionary Approach*. London: Longman.
- Evans, Vyvyan. 2006. "Lexical concepts, cognitive models and meaning-construction". *Cognitive Linguistics* 17 (4): 491-534.
- ----- and Green, Melanie. 2006. *Cognitive Linguistics: An Introduction*. Edinburgh: Edinburgh University Press.
- Fauconnier, Gilles and Turner, Mark. 1998. "Conceptual integration networks". *Cognitive Science*, 22 (2): 33-187.
- Gibbs, Raymond W. 1994. *The poetics of Mind*. Cambridge: Cambridge University Press.
- Grady, Joseph E. 2005. "Primary metaphors as inputs to conceptual integration". *Journal of Pragmatics*, 37-10: 1595-614.
- Lakoff, George and Johnson, Mark. 1980. *Metaphors We Live By*. Chicago: University of Chicago Press.
- ----- . 1999. *Philosophy in the Flesh*. New York: Basic Books.
- Langacker, Ronald W. 1987. *Foundations of Cognitive Grammar: Volume 1 Theoretical Prerequisites*. Stanford: Stanford University Press.
- Ortony, Andrew. 1993. *Metaphor and Thought*, 2nd edition. Cambridge: Cambridge University Press.
- Pustejovsky, James. 1995. *The Generative Lexicon*. Cambridge, MA: MIT Press.
- Recanati, François. 2004. *Literal Language*. Cambridge: Cambridge University Press.
- Sweetser, Eve. 1999. "Compositionality and blending: Semantic composition, in a cognitively realistic framework". In T. Janssen and G. Redeker (eds), *Cognitive Linguistics: Foundations, scope and Methodology*, 129-62. Berlin: Mouton de Gruyter.

- Taylor, John R. 2010. "Review of Vyvyan Evans, How words mean: Lexical concepts, cognitive models, and meaning construction. Oxford: Oxford University Press, 2009. Pp. xv+377". *Linguistics*, 46 (2). Cambridge University press. Pp 503-508.
- Tyler, Andrea and Evans, Vyvyan. 2001. "Reconsidering prepositional polysemy networks: The case of over". *Language*, 77 (4): 724-65.